



صمیمانه!

حجت‌الله ایوبی کوشیده تا خود را چهره‌ای علاقه‌مند به هنرمندان نشان دهد. آیا در مقام ریاست سازمان سینمایی هم رابطه‌ی او با اهل سینما صمیمی و نزدیک خواهد بود؟

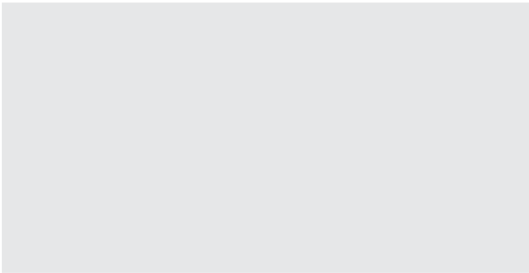
ارگان‌های فرهنگی است که برای خود شأنیت تصمیم‌گیری قائل شده است. این انتظار وجود دارد که ایوبی بلافاصله این اختلاف نظر را در محدوده سینمای ایران بر طرف کند تا وضعیت به نقطه تعادل برسد و سپس برای چهار سال آینده برنامه‌ریزی کند.

دوستدار هنرمندان

اما ایوبی هر چند در حوزه سیاستگذاری سینما آدم ناشناخته‌ای به نظر می‌رسد، ولی برخی چهره‌های شاخص سینمای ایران او را می‌شناسند. رابرت فرنگی سابق ایران در فرانسه زمانی که صادق خرازی سفیر ایران بود، برنامه‌های متعدد فرهنگی در این کشور برگزار کرد. سهم سینما از این برنامه‌ها قابل توجه بود و نکته جالب آن است که ایوبی خاطرهای خود از میزبانی سینماگران را منتشر کرده است. یکی از بزرگ‌ترین برنامه‌هایی که او خاطراتش را نوشته، مرور سینمای ایران در شهر «رن» است که با حضور ۴۰ سینماگر ایرانی برگزار شد. روایت ایوبی از این برنامه خواننده است: «کاروان هنرمندان ایرانی از اورلی یک راست با قطار تند رو به «رن» رفت. «علی راضی» را سینماگران ایرانی خوب می‌شناسند. او از آغاز این برنامه با امین اکمیلی و نادر اتمکلی همایون آدر تماس بود. نزدیک به چهل هنرمند و سینماگر. عزت‌الله انتظامی، قیراق و سرحال رسید. او فرانسه را خیلی دوست دارد. کاش می‌شد جک‌هایی که خودش درباره‌ی نقشش در بازی گاو می‌گفت می‌نوشتیم. واقعا محمدرضا فروتن شایسته نامش می‌باشد. در اوج سادگی و فروتنی، رخشان بنی‌اعتماد، میر کریمی، مجیدی، رسول صدرعاملی، فاطمه معتمد آریا، نیکی کریمی و خلاصه «رن» پذیرای بزرگان سینمای ایران بود.»

دیگر خاطره او که در سایتش منتشر شده، از هفته فرهنگی ایران در

اوایل تیر که حجت‌الله ایوبی در سایت شخصی‌اش مطلبی با عنوان «پیشنهاد چند اقدام به وزیر فرهنگ» را منتشر کرد، احتمالا فکر نمی‌کرد حدود دو ماه بعد به عنوان یکی از معاونان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت جدید معرفی شود و روی صندلی ریاست سازمان سینمایی بنشیند. آن روزها هویت وزیر فرهنگ دولت «تدبیر و امید» هم آشکار نشده بود و ایوبی در پیشنهادهای خود بیشتر به بندها و ماده‌های برنامه‌ی پنجم توسعه اشاره داشت. پیشنهادهای او در بخش سینما به شکل مشخص چهار سرفصل داشت: «ضرورت کمک مالی تلویزیون به صنعت سینما و ساماندهی ارتباط بین سینما و تلویزیون»، «حل مشکلات پدیدآمده در عرصه سینما و ایجاد وحدت و همدلی در جامعه سینمایی کشور»، «تاسیس مدرسه عالی سینمایی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین مرکز کارگاهی سینمایی در منطقه و جهان اسلام»، «تاسیس بزرگ‌ترین شهرک سینمایی منطقه برای ترویج سینمای معنویت‌گرا و مقاله‌ها با هجوم سینمای هالیوودی». طبیعی است که وقتی او به عنوان بلندپایه‌ترین مقام سینمایی کشور منصوب می‌شود، این سرفصل‌ها به بخشی از انتظارات جامعه سینمایی کشور و مردم از او تبدیل شود؛ به خصوص حل مشکلاتی که باعث تفرقه و اختلاف در میان سینماگران شده و شکافی میان نهادهای دولتی سیاستگذار سینما و صنف‌های سینمایی ایجاد کرده است. مصداق‌های این اختلاف‌ها یکی مسئله بازگشایی خانه سینما و تاسیس نهاد صنفی موازی با خانه سینما و دیگری مخالفت حوزه هنری با آکران برخی فیلم‌هاست. طی چهار سال گذشته به هر دلیل اقتدار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان نهاد بالادستی که درباره نمایش یا عدم نمایش آثار سینمایی تصمیم می‌گیرد و سایر نهادها و گروه‌ها و اشخاص از آن تبعیت می‌کنند، زیر سوال رفت و حوزه هنری یکی از



به خواندن. فضا خیلی صمیمی می‌شود. این شاید نخستین باری است که مسئولان سیاسی ایران این قدر صمیمی با مردم در چنین فضایی پرافتخار روبه‌رو می‌شوند. او همچنین ارادت خاصی به هنرمندان پیشکسوت دارد. علاوه بر عزت‌الله انتظامی، او در برنامه دیگری در تجلیل از حافظ و حافظ شناسان برجسته، جمشید مشایخی را به فرانسه دعوت کرد و در این زمینه هم خاطراتش را نوشته است. ایوبی وقتی به عنوان رئیس موسسه فرهنگی اکو معرفی شد، این رابطه نزدیک را حفظ کرد. وقتی اردیبهشت امسال مراسم تودیعش برگزار شد، محمود عزیزی، محمد سریر، سیف‌الله صمدیان، غلامحسین امیرخانی، مسعود رایگان و... حاضر شدند، با او عکس یادگاری گرفتند و از خدماتش به فرهنگ و هنر کشور سخن گفتند.

تصویری که ایوبی از خود به عنوان مدیر فرهنگی ارائه داده، چهره‌ای علاقه‌مند به هنرمندان است که می‌خواهد فاصله‌ی رسمی میان سیاستمداران و هنرمندان را از میان بردارد. او خاطراتش از این برنامه‌ها را با عنوان‌های «معجزه سینمای ایران» و «هفت روز پرافتخار» توصیف کرده و این نشان می‌دهد او نمی‌خواهد با سینماگران از در پیچی سوء تفاهم و بدگمانی برخورد کند. با این حال مسئولیت جدید او با رابرتی فرهنگی متفاوت است. در شماره پیش نوشتیم ایوبی زمانی که در سازمان بازرسی کل کشور بود، در اجرای قانون مقابله با دوشغله‌ها در سمت‌های دولتی نقش مهمی داشت و با قاطعیتی بی‌رحمانه، اجرای این قانون را پیگیری کرد. روی دیگر او، چهره‌ای صمیمی با هنرمندان است که می‌خواهد مرزهای متعارف را بشکند. «سوال این است که ایوبی در مقام مسئول سیاستگذاری، اجرایی، بیشتر کدام چهره خود را نشان می‌دهد؟»



شهر کوچک «ایسی لو مولینو» در جنوب پاریس است که میزبان سینماگرانی مثل ابراهیم حاتمی‌کیا، مجید مجیدی، رخشان بنی‌اعتماد و محمد آفریده بود: «حاتمی‌کیا، مجید مجیدی، خانم رخشان بنی‌اعتماد و گروه استاد ظریف از راه می‌رسند... حاتمی‌کیا آمده ولی خیلی احساس غربت می‌کند. گویی خود را در این جامعه بسیار غریب حس می‌کند. نمی‌دانم چرا تصور می‌کند که اینجا جای او نیست و کسی سخن او را در این دیار نمی‌فهمد. برای او این جوری جا افتاده که غرب خریدار کالاهای او نیست... با هم به روی سن می‌رویم... سالن تحت تاثیر است. ایرانی‌ها ششاد شادند و من از شادی و شغف در پوستم نمی‌گنجم. هوشنگ ظریف و گروهش روی سن می‌روند و با سه تار سنتور، نی و کمانچه غوغا می‌کنند. دکتر جلالی به وجد می‌آید. سفیر ایران در یونسکو ناخودآگاه روی سن می‌رود و شروع می‌کند

غریبانه!

جواد شمقدری چگونه آمد، در چهار سال گذشته چه کرد و میراثش برای مدیران جدید سینمایی چیست؟



جواد شمقدری احتمالا از جنجالی‌ترین مسئولان سینمایی کشور در دهه‌ی گذشته است و تا مدت‌ها کسی نمی‌تواند در این زمینه از او سبقت بگیرد. نوشتن نامه‌ی سرگشاده در باره مسئله‌ای نه چندان حاد که با «انالله و انالیه راجعون» آغاز می‌شد، بعید است از حافظه‌ی جمعی سینما پاک شود و تعطیل کردن خانه سینما علاوه بر اثرات کوتاه مدت، در تاریخ سینمای کشور ثبت می‌شود. او چهار سال پیش با شعار «تغییر ریل سینما» آمد و امروز عده‌ای می‌گویند که قطار سینما را کاملا از ریل خارج کرده است. او در دولت نهم، مشاور امور هنری محمود احمدی‌نژاد بود و در مقابل چشمان حیرت‌زده‌ی دوستان و منتقدانش، تندترین نقدها را نثار وزارت فرهنگ صفاهرندی و مدیران سینمایی او می‌کرد. خودش چند روز پیش با ایستنا مصاحبه کرد و گفت: «داد احمدی‌نژاد هم از وزارتخانه‌ای که صفاهرندی اداره می‌کرد، به آسمان رفته بود.» سال ۸۸ که خودش معاون امور سینمایی همان وزارتخانه شد، اولین اقدام خبرسازش، رفع توقیف از «به رنگ ارغوان» ابراهیم حاتمی‌کیا بود. وقتی در اختتامیه‌ی جشنواره‌ی بیست‌وهشتم فجر، سیمرغ‌های متعدد روی شانه‌ی حاتمی‌کیا و همکارانش می‌نشست و شمقدری چند متر آن‌سوتر لیجند می‌زد، کسی فکر نمی‌کرد که اداره‌ی نظارت شمقدری، حکم توقیف فیلم بعدی حاتمی‌کیا را صادر کند. اما این اتفاق افتاد و «گزارش یک جشن» سه سال بعد از تولید همچنان در محاق است. اما مهم‌ترین پروژه شمقدری و بارانش در این چهار سال، مقابله با خانه سینما بود. حوادث سال ۸۸ در کلید خوردن این پروژه نقش انکارناپذیری داشت. وقتی شعله آن اتفاق خاکستر شد، باز هم آتش خشم و کینه‌ی مدیران سینمایی دولت احمدی‌نژاد از جامعه‌ی صنفی سینمای ایران سرد نشد. آنها این تقابل را آن قدر ادامه دادند تا حکم انحلال خانه سینما را گرفتند. وقتی هیئت مدیره خانه سینما با شکایت به دیوان عدالت اداری توانست این حکم را لغو کند، یاران شمقدری با استناد به ماده‌ی قانونی دیگری این بار حکم تعطیلی خانه سینما را دادند و از آن زمان تا به حال زنجیره‌ای از وقایع رخ داد که امروز همه می‌گویند مهم‌ترین اقدام مسئولان جدید، بازگرداندن آرامش به فضای سینماست. جالب آن است که حتی دستور صریح احمدی‌نژاد برای بازگشایی خانه سینما در آخرین روزهای حضورش در پاسور هم اثربخش نبود و خانه سینما بسته ماند تا گروه دیگری از سینماگران یک نهاد صنفی موازی با خانه سینما راه‌اندازی کنند. روز ۲۹ مرداد، شمقدری به علی جنتی نامه‌ای نوشت و چالش‌های پیش‌رو و اقدام‌های انجام‌شده در دوران مدیریت خود را یادآوری کرد. سینماگران مخالف در واکنش به انتشار این نامه مصاحبه کردند و به طعنه گفتند که شمقدری ویرانه‌ای به جا گذاشته است. اما تاثیر مثبت برخی از این اقدام‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. تشکیل شورای عالی سینما و کشاندن رئیس جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور به زمین سینما به عنوان رئیس این شورا کاری بود که شاید از کسی جز شمقدری جسور برنمی‌آمد. تغییر معاونت امور سینمایی به سازمان سینمایی که می‌تواند



همه‌ی آن چه را که می‌خواستید در باره‌ی بازیگران سینما بدانید ولی جرات پرسیدنش را نداشتید

بکارگردان منوچه حکمت

عقاباید یک آکتور بسینما

تهیه‌کنندگان منوچه حکمت، علی مرتضوی